

## “بیانیه الجزایر”

### سند پرداخت وجوه شرعی به امپریالیسم امریکا!

پس از اینکه “انقلاب دوم بزرگتر از انقلاب اول” رهبر حقیر، با سرشکستگی و خواری مفتضحانه‌ای به شکست انجامید، پس از اینکه رژیم مفلوک اسلامی با شتاب و وحشت زدی غیر قابل تصور، درست فقط در آخرین لحظات انتقال قدرت به ریگان، پروگانه‌های امریکایی را آزاد کرد (چراکه رژیم اسلامی خوب میدانست که کابوی تکزاسی بر خلاف با دام فروش ماساچوستی، اهل شوخی و چانه زدن نبود)، پس از اینکه رژیم خاش خمینی، بیش از ۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی ایران را بجزا به امپریالیسم امریکا هدیه داد، “بیانیه الجزایر” یا حلقه‌ی بردگی آنچنان بر گردنش باقی ماند و امپریالیسم آمریکا، رژیم زبون‌وی‌لیاقت اسلامی را هر جا که خاطر خواه اوست، می‌کشاند و می‌کشد.

اخیرا یک سند داخلی رژیم تحت عنوان “تحلیلی بر بیانیه الجزایر و اجرای آن” بدستمان افتاده است که گوشه‌ای از این درماندگی و زبونی و ناتوانی را به نمایش میگذارد.

و بعد نویسنده اضافه میکند که “حق این بود که کمیته هماهنگی... نیز به چنین کاری دست بزند ولی بخت بد و سرنوشت محتوم رژیم اسلامی حکم میکرد که بعلمت تراکم کار در کمیته هماهنگی و قلت کارکنان، از انجام این مهم عاجز بماند.

۱- حوزه‌ی اختیارات داور “یا کلاه‌گشا د مبرسر رژیم خمینی نویسنده پس از نقل چند بند از متن “بیانیه الجزایر” (نام محترمانه‌ی قرارداد ایران و امریکا) در زمینه‌ی صلاحیت و “حوزه‌ی اختیارات داور” و چگونگی آن، به نکاتی اشاره میکند که از آن دو نکته‌ی زیر استنتاج میشود:

الف: مفایر بودن “بیانیه الجزایر” با اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی در مواردی که طرفداری خارجی باشد، در مصوبه ۵۹/۱۰/۲۴ مجلس شورای اسلامی فقط رجوع اختلافات مالی و حقوقی فی مابین دولت جمهوری اسلامی و دولت امریکا به داورى اجازه داده شده است، در حالیکه با توجه به نمونه‌هایی که در سند از مواد ۲ و “بیانیه الجزایر” می‌نماید همان مواد آورده شده (اتباع و کشور نیز اجازه دارند که علیه دولت و سازمان‌های تحت کنترل دولت مقابل، اقدامی دعوی کرده و بداورى مراجعه کنند. در نتیجه قرارداد ایران و امریکا “بیانیه الجزایر” نه تنها مفایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه همچنین مفایر با مصوبه ۵۹/۱۰/۲۴ مجلس شورای اسلامی است.

ب- یا از روی جهل و نادانی و یا (بیشتر) به دلیل بهم کلک زدن مقامات جمهوری اسلامی، ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی “بیانیه الجزایر” با هم متفاوت است. در سند مورد بحث یک نمونه از دو متن انگلیسی و فارسی آورده و نتیجه گرفته میشود:

“همانطوری که ملاحظه می‌گردد دو کلمه‌ی دولت و اتباع در فارسی با حرف ربط “با” بهم وصل شده در صورتیکه در انگلیسی با حرف ربط “و”، و این خود از نظر حوزه‌ی اختیارات هیئت داورى و معانی مربوط به آن ایجاد تردید می‌نماید” (صفحات ۱-۳ سند).

۲- طرح ادعاها “یا از هر طرف پن بست و رماندگی دیدیم که “بیانیه الجزایر” طبق گفته‌ی ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران مفایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی و مصوبه ۵۹/۱۰/۲۴ مجلس شورای اسلامی است با اینحال، از طرف دستگاه‌های ذیربط (۱) به کلیه سازمان‌ها ابلاغ گردیده که کلیه ادعاها و دادخواست‌های خود را در مهلت مقرر به کمیته‌ی اجرای بیانیه الجزایر ارسال دارند. “ستاد هماهنگی... نیز” عین دستور داده شده “را” به کلیه شرکت‌های تحت پوشش «خود» ابلاغ کرده، ولی از یک طرف

مخاطب این نوشته، در نسخهای که بدست ما رسیده مشخص نیست ولی بنظر میرسد که یکی از مقامات رژیم اسلامی (مثلا بهرژاد نبوی یا حسین موسوی) باشد. هویته نویسنده‌ی واقعی (که تحت عنوان “ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران” امضاء کرده) نیز معلوم نیست ولی پیدا است که یک فرد مشخص است (چرا که همه جا با اول شخص مفرد سخن میگوید نه بنام “ستاد هماهنگی...”) و به احتمال قریب به یقین، مسئول “ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر... است. نویسنده در مقدمه‌ی سند مینویسد:

“نظر به مسئولیتی که شورای سازمان صنایع ملی ایران در ارتباط با اجرای بیانیه الجزایر در شهریسور ماه ۱۳۶۰ در مورد شرکت‌های تحت پوشش این سازمان به این جانب محول نمود و از آن تاریخ تاکنون بطور مستمر مسئولیت فوق را داشتم و مرتباً به مسائل جدیدی برخورد می‌نمایم و همچنین تجربیات سه ماه گذشته در طی مذاکرات وین و گزارشات مربوط به مذاکرات وین که هم اکنون در ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران تحت بررسی می‌باشد بخود اجازه دادم در ارتباط با بیانیه الجزایر و اجرای آن مطالبی را به استحضار برسانم. مسائل مورد بحث که ذیلا به عرض خواهد رسید چکیده‌ی ساعتها مطالعه، بحث و بررسی با کلیه کسانی که بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در اجرای بیانیه به نحوی دخالت داشته‌اند میباشد و همچنین مطالعه‌ی مطالب و پاره‌های اجرای بیانیه که بزبان انگلیسی در خارج از ایران (( امریکا )) منتشر گردیده است نیز شامل میگردد.”

"بعضی از ادعاهای مطرح شده توسط مدبران شرکتها (ای ایرانی) متکی به مستندات قابل ارائه به دیوان داور می باشد" و از طرف دیگر "طرح دعوی در یک محکمه غیر صالح (از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی) . . . خطرات زیر را به همراه خواهد داشت :

"الف - با فرض اینکه دیوان داور دادخواست های مربوط به ادعای مؤسسات تحت کنترل دولت علیه اتباع امریکائی به استناد بیانیته حل و فصل و تعاریف آن نپذیرد ، در چنین صورتی نیروی عظیمی صرف تهیهی درخواست ها گردیده که مورد پذیرش دیوان داور نمی باشد"

"ب - با فرض اینکه دیوان داور دادخواست های مربوط به ادعاهای مؤسسات تحت کنترل علیه اتباع امریکا را نپذیرد و جز کارهای مربوط به اعلام نظر از طرف دیوان قرار دهد و پس از گذشت مدت نسبتا طولانی ، دیوان عدم صلاحیت دیوان داور را نسبت به رسیدگی دعوی فوق ( که بر اساس بیانیته حل و فصل آن خارج از حوزه اختیارات دیوان داور می باشد ) اعلام نماید ، در چنین صورتی خطرات زیر ممکن است بوقوع بپیوندد :

۱- دعوا مشمول مرور زمان گردد و قابل طرح در محاکم صالحه دیگر نباشد .  
 ۲- بر اساس قسمت آخر بند ۲ ماده بیانیته : ادعاهائی که به هیئت داور ارجاع میشود از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داور ، خارج از صلاحیت قضائی دادگاههای ایران و ایالات متحده و یا هر دادگاه دیگر خواهد بود ، در نتیجه ممکن است امکان طرح دعوی در محاکم صالح دیگر از بین برود" (صفحات ۳-۴ سند ) .

به بیان روشنتر ، علیرغم وجود رهبران " صد درصد مکتبی " و ویژه علیرغم رهبری پیغمبر گونه " و خدا گونه " امام است ، حقوقدانان " شیطان بزرگ " با اطلاع از ابعاد باور نکردنی جهل و حماقت رژیم آخوندی آنچنان کلاه گشادی بسر رژیم خمینی گذاشته اند که از هر طرف بخواهد حرکت کند ، بسا بن بست و درماندگی مواجه خواهد شد که نه تنها " ناسب امام زمان ، بلکه شخصی " امام زمان " و هر موجود موهوم دیگر نیز نمیتواند کمترین کمکی به آن بکند ، چرا که " شیطان بزرگ " ، خرخره ی رژیم اسلامی را محکم چسبیده و تمام پراههای گریز را پیشاپیش سدود کرده است ، و رژیم مغفور خمینی جلاد که فکر میکرد با انعقاد قرارداد خائنانه ایران و امریکا ( "بیانیته الجزایر ( ۱ ) " ) میتواند محبت امپریالیسم امریکا را بخود جلب کند ، و اکنون فقط از این ناراحت است که تمام حاتم بخشی ها از کیسهی زحمتکشان ایران ، امریکا همچنان به ناسپاسی خود نسبت به رژیم صبراه جمهوری اسلامی ادامه میدهد ، چرا که :

به مجرد اتمام " بیانیته الجزایر " دولت امریکا موظف بوده است با رفع تحریم و تمام اوضاع و احوال را به شرایط قبل از گروگان گیری برگردانده در حالیکه . . . تحریم کالگان ادامه دارد " ( ۲ )

" ۳- یک میلیارد سپرده " و خزانهی خالی جمهوری اسلامی طبق مادهی ۷ " بیانیته الجزایر " ، جمهوری اسلامی قبول کرده است که یک میلیارد دلار از ذخایر سدود شده ایران توسط امپریالیسم امریکا را در یک حساب مخصوص در بانک مرکزی هلند بسپارد . این مبلغ " برای تضمین پرداخت و تأدیه ادعاها علیه دولت ایران طبق بیانیته حل و فصل ادعاها مورد استناد قرار خواهد گرفت ، و همچنین ایران تعهد نموده است که موجودی حساب سپرده فوق را در سطح ۵۰۰ میلیون دلار نگهدار خواهد نمود " .

چندین پیش نویس کوچک نوشت :

" مقامات واشنگتن در حال حاضر نگرانند که مبادا ایران توافق خود دال بر پرداخت ادعاهای تجاری امریکائی را ، که میتواند بالغ بر چهار میلیارد دلار شود نفی کند . . . با نکتہ مرکزی ایران قول داده است - اگر بتوان برای این قول ارزشی قائل شد - پاسخگوی بدی های دولت باشد ولی بنظر نمیرسد راهی برای تضمین بخش عمدهای از ادعاها وجود داشته باشد . یک مقام مالی با تحقیر میگوید بجز اینکه میتوان با دولتی معامله کرد که بقصد مرگ به خودش شلیک میکند " .

نگرانی فوق الذکر محافل امپریالیستی ( با توجه به عواملی که در درون رژیم اسلامی دارند و با توجه به اطلاع دقیق آنها از ورشکستگی اقتصادی رژیم ) البته بی پایه نبود ، چرا که در سند مورد بحث " ستاد هماهنگی . . . چنین میخوانیم :

" در بیشتر مذاکرات و مراد ات با مسئولین ( حکومت اسلامی ) صحبت بر سر آن است که ایران مبلغ یک میلیارد دلار جهت تأدیهی ادعاها علیه ایران اختصاص داده و دیگر هیچ وجهی به امریکائیان را از منابع دیگر پرداخت نخواهد کرد " .

روشنتر اینکه رژیم اسلامی ، یک میلیارد دلار سپرد مراد پیشاپیش باخته حساب میکند یعنی علاوه بر بیش از ۵ میلیارد دلار سابق الذکر حاضر است یک میلیارد دلار دیگر با امپریالیسم امریکا باج بدهد ، اما نکته جالب این است که رژیم با اینکه در قرارداد ایران و امریکا ( "بیانیته الجزایر ( ۱ ) " ) تعهد کرده است هر مبلغ نامحدود دیگری که هیئت داور حکم بدهد ( و از قول نویسنده سند هم خواهیم دید که مجبور به پرداخت این مبلغ نامحدود است ) ، پرداخت کند . پس معنای این نپرداختن " دیگر هیچ وجهی به امریکائیان از منابع دیگر چیست ؟ آیا رژیم خمینی در مقابل توسری های مداوم " شیطان بزرگ " ، سر به عصیان و طغیان برداشته است ؟ نه واقعیستی را که تمام عالم میدانند از زبان علیرضا تهری - رئیس سابق بانک مرکزی - که از وضع ذخایر ارزی رژیم بخوبی اطلاع دارد - نیز بشنویم . تهری چندین پیش در مصاحبهای با " واشنگتن پست " اعلام داشت که :

رژیم جمهوری اسلامی از نظر ذخایر ارزی در چنان وضع رقت باری بسر میبرد که نمیتواند برای رساندن سپرده مخصوص به مبلغ

## برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان : انقلابی دیگر باید

۵۰۰ میلیون دلار، حتی یک دلار هم به بانک مرکزی هلند واریز کند.  
موضوع را از متن سند دنبال کنیم. امروز در مذاکرات رژیم اسلامی را از زبان یکی از مقامات سرسپرد رژیم بشنویم:  
"این نظریه (یعنی نپرداختن) دیگر هیچ وجهی به آمریکا تیان از منابع دیگر" البته صحیح است اما مطالب زیر نیز می بایستی مورد توجه قرار گیرد:  
الف - دولت ایران تعهد نموده است که چنانچه میزان سپرده موضوع فوق از حد ۵۰۰ میلیون دلار تنزل نماید با گذاشتن سپرده های جدید موجودی حساب مذکور را به سطح ۵۰۰ میلیون دلار خواهد رسانند.  
ب - طبق بند ۳ ماده ۴ بیانیه ی حل و فصل:  
"... هر حکمی که هیئت داوران علیه هر یک از دولتین صادر نماید علیه آن دولت در دادگاه های هر کشوری طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود."  
لذا ایجاد سپرده و یا گذاشتن سپرده ی جدید جهت نگهداری سپرده ی تضمینی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار دارای مفهوم اجرایی چندانی بابت تأدیه ی ادعاهایی که از طریق هیئت داوران منجر به صدور حکم گردیده است نمی باشد، چه چنانچه فرض شود که ایران نخواهد سپرده ی تضمینی و صوف را در حدود (یک میلیارد دلار) صرف تأدیه ی قسمتی از احکام صادره کرد و بر اساس بند ۳ ماده ۴ موصوف قابل اجرا در کشورهای دیگر از جمله کشورهای طرف معامله ی ایران خواهد بود لذا بنظر می رسد کلیه احکام صادره توسط هیئت داوران علیه ایران در هر حد و میزان (مازاد بر یک میلیارد دلار) چه ایران در حساب سپرده ی تضمینی وجهی از (آن) بابت داشته و یا نداشته باشد، قابل اجرا و قابل وصول توسط طرف آمریکایی خواهد بود (صفحات ۳-۴ سند) عبارت فوق آنچنان گویا و رساست که هیچ نیازی به توضیح و تفسیر ندارد.

۴- حل و فصل ادعاهای "با اعتراف به ناتوانی مطلق در سند میخوانیم:  
"طبق ماده ی یک بیانیه حل و فصل ادعاهای:  
"هر یک از ادعاهایی که ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای بیانیه حل و فصل نشود طبق شرایط مندرج در این بیانیه به حکمیت شخص ثالث (داوری) ارجاع خواهد گردید"  
البته مهلت مندرج در فوق به مدت سه ماه تمدید گردید و ادعاهایی که تا تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۸۱ حل و فصل نگردد قابل ارائه به هیئت داوران می باشد.  
لازم به تذکر است که این مهلت جدید برای سومین بار تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۸۲-۲۹ دیماه ۶۰ تمدید شده است. اگر رژیم اسلامی بطوریکه از ظواهر امر سر می آید - متن بهمان میزان بیشتر دهد، تمدید

این مهلت با زهم برای چهارمین بار - محتمل است، زیرا هدف امپریالیسم آمریکا و کمپانی های آن، خرسواری بیشتر است و یا بقول نویسندگانی این سند، بطوریکه بعد از خواهیم دید، آنها حاضر به دریافت مقداری از طلب واقعی (۱) خود ولی سریع هستند. مثلاً فلان کمپانی آمریکایی ترجیح میدهد که ۵۰۰ میلیون دلار را مذاکره مستقیم با نمایندگان رژیم اسلامی، امروز نقدا دریافت کند تا اینکه چند سال دیگر، پس از عبور از پیچ و خم های "داوری"، به ۷۵۰ میلیون دلار مورد ادعاهای خود برسد و یا نرسد.  
در دنباله ی سند میخوانیم:

د. در شهر پیروما ۶۰ (سپتامبر ۶۰) قبل از اینکه مهلت دوم خاتمه یابد (( طبق راهنما ثبوتی و دستورالعمل های صادره از طرف کمیته هماهنگی و اجرای بیانیه ی الجزایر، هیئتهای مذاکره کننده (ی رژیم اسلامی) جهت حل دعوی، طبق قراردادهای قبلی با طرفهای آمریکایی (شیطان بزرگ))، عازم کشورهای مورد قرار گردیدند (اتریش - وین) قبل شرح و توضیحات در مورد مذاکرات (بین نمایندگان دولت آمریکا و کمپانیهای آن با رژیم اسلامی)) نحوه و نتیجه آن ذکر مطالب زیر ضروری بنظر می رسد:  
الف - بدلیل مختلف بعضی از خواننده های ایرانی یا خواهان خود ملاقات و مذاکره ننمودند.  
ب - برخی از هیئتهای ایرانی بدون تعیین قرار قبلی و تأیید آن، عازم محل مذاکره گردیدند و چون خواهان ((آمریکایی)) از وجود چنین مذاکراتی بی اطلاع بود، لذا ملاقات و مذاکره صورت نپذیرفت و هیئت ایرانی بدون حتی ملاقات به کشور مراجعت نمودند.  
ج - بعضی از هیئتهای ایرانی جهت طرح دعوی و یا پاسخگویی به ادعاهای عازم خارج از کشور گردیدند که اصولاً ادعایی وجود نداشت و یا در چارچوب بیانیه قرار نمیگرفت.  
در ادامه سند، میخوانیم که "مذاکرات انجام شده (بین هیئتهای آمریکایی و ایرانی)) در وین بجز در مواردنا در و بدلیل زیر بدون نتیجه بوده است:

الف - گروهی از هیئتهای مذاکره کننده (ی رژیم اسلامی)) اکثراً بدون آمادگی کافی و داشتن اطلاع عازم خارج از کشور گردیدند.  
ب - گروهی از هیئتهای مذاکره کننده و یا اشخاص مذاکره کننده ((ی رژیم اسلامی)) از کیفیت کاری بسیار پائینی برخوردار بودند و در بعضی از موارد، هیئت یا شخص نه تنها از موضوع مذاکره بی اطلاع بود و موارد اختلاف را نمیدانست بلکه به یک زبان خارجی نیز آشنائی نداشت.  
ج - پشتیبانی (از نظر متخصصان)) مالی ((در)) گروههای مذاکره کننده ((ی رژیم اسلامی)) اکثراً ضعیف بود و بعضی از گروهها اصلاً متخصص مالی همراه خود نداشتند و یا در صورت داشتن فرد ("متخصص") مالی، "نامبرده" از آگاهی

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

و قدر - کافی بر وجود او بود  
 د - کتر گروهی در مذاکره کننده (ری رژیم) فایده  
 مذاکره جمعی بود بدین معنی ریشهها خود (فواصی  
 و معنی - کشور (خود) - خبر بی اطلاع بود  
 ه - بعضی از موارد - رهنمودهای داده نشده  
 و - در طرف مقام رژیم اسلامی ۱۱ گروههای مذاکره  
 کننده سنی بر عدم حل دعوی بود و بیشتر ارجاع به  
 داوری مد نظر بوده است .  
 و - بعضی از افراد با گروههای مذاکره کننده ( رژیم  
 اسلامی ) در مواردی که مذاکرات به نتیجه مورد توجه  
 خودشان سر میرسید حاضر به تهیه پیش نویسها  
 نبودند و متکی بر مثال معروف امضا نمودن مسئولیت  
 دارند امضا نمودن بودند .  
 ر - امکانات مساعد هماهنگی ( نمایندگان رژیم اسلامی  
 در ) مذاکرات بسیار ضعیف بود و تقریباً کلیه ی  
 استوالات تخصصی در ارتباط با بهایه‌ی الحزب  
 بدون جواب میماند .  
 ج - و بالاخره گروهی از مذاکره کنندگان ( رژیم  
 اسلامی ) اصولاً نسبت حل ادعاها ( ی آمریکا ثبات )  
 را نداشتند و حتی راهیکه ادعا به میزان کمتر از رقم  
 واقعی و مطلق می رسید ، این مسئله بیشتر از عدم  
 تصمیم و اجرائی بهایه سرچشمه میگرفت . این موضوع  
 حالت میباشد که شاید پیش از جی از مذاکره کنندگان  
 ( رژیم اسلامی ) حتی منن سیاسته الحزب را ندیده  
 و یا حیوانده بودند و این در حالی بود که طرفهای  
 امریکائی ، با حروراته شریات و آخرین اطلاعات و گزاره  
 شات تحلیلی اجرائی بهایه الحزب در مذاکرات شرکت  
 کرده بودند . ( صفحات ۷۵-۷۶ سند )  
 نتیجه گیری :

موسسند هی سند ، بعنوان " نتیجه گیری " میفرماید .  
 " ما توجه به مطالبی که طی صفحات زیر بعرض رسید ،  
 " واقعیتهای زیر را ذکر میکنم :  
 " الف - احتمالاً دولت ایران و یا موسسات تحت کنترل  
 آن راساً نخواهند توانست دادخواستی علیه ( دولت  
 امریکا و ) اتباع امریکائی تسلیم داوری نمایند .  
 ب - دادخواستهای متقابلیه که از طرف موسسات تحت  
 کنترل دولت ( اسلامی ) علیه ( دولت امریکا و ) اتباع  
 امریکائی تسلیم داوری خواهد گردید از نظر محتوی  
 و استنادات ضعیف بود .  
 ج - هیئت داوری مرکب از ۹ عضو میباشد که بهر  
 صورت شش عضو آن خارجی می باشند ( ۴ )  
 د - امریکائیان در تهیه دادخواست و ارائه آن به  
 دادگاهها و مدارک دارای سوابق می باشند .  
 ه - در مورد دفاع از دادخواستها ، امریکائیان به  
 طارحیت خواهند داشت زیرا که برای هر مورد یک  
 وکیل استخدام نمودند در صورتیکه دفاع از کل  
 دادخواستها را ایران توسط چند وکیل صورت خواهد  
 پذیرفت

و - عملی از مذاکرات مورد قبول بیشتر امریکائیان  
 واقع گردید که ممکن است در صورت مورد قبول داوریان  
 پذیرفته شود و نظیر عدم پرداخت بهره ، بهره دیگر  
 ، عدم الجمع ، ...  
 ر - بخاطر ضعف تاخرها با امریکائیان در بیشتر موارد  
 حاضر به دریافت ، صدور از طلب واقعی خود ولی  
 سرپوشیده ( ۱۶ )  
 ح - همانطوریکه توضیح داده شد کلیه احکام صادره  
 توسط هیئت داوری قابل اجرا خواهد بود ( حصی  
 بیشتر از یک میلیارد دلار ) ( صفحات ۸-۷ سند )  
 و در پایان ، نویسنده سند " با عنایت به واقعیتهای فوق  
 پیشنهاد میکند که " با گرفتن مجوز کافی از مجلسین  
 و جمهوری اسلامی ایران یک هیئت صلح و تفهیم حرفه‌ای  
 برای کل مذاکرات و دعاویات مربوطه به تمام سارامه‌های  
 دولتی و وابسته به دولت را با یک سازماندهی صحیح دنبال  
 کند ، ( ۷ ) " با استعانت به الطاف خداوندی بر شیطان  
 بزرگ ( امریکا ) طاقی شوم " . ( صفحات ۸-۷ سند )  
 با توجه به آنچه در طی صفحات قبل از قول نویسنده سند  
 دیدیم ، در باره طاقی شدن " با استعانت به الطاف  
 خداوندی بر شیطان بزرگ ( امریکا ) " در یک کلمه میتوان  
 جواب داد : " رکی !  
 ماهها قبل ، در رابطهای دیگر ، در همین صفحات رهائی ،  
 نوشته بودیم که امریکالیسم امریکا مثلاً در مقابل اراده ی  
 پولادین حلی ویتنام " هیچ عطشی نمیتواند کند " ، ولی به  
 راحتی قادر است که پوره رژیم مطوک حمیسی را سحاک بماند .  
 نویسنده

(۱) منظور از " دستگاہهای دیرپه " محمد علی رهائی است ؛  
 در ۱۴ بهمن ماه گذشته ، به منظور اجرائی مفاد  
 بیایه الحزب در مورد دعوی مالی ایران شهید  
 رهائی نسبت وزیر وقت نجف آبادی به کلیه شرکتها و  
 موسسات دولتی صادر کرد . در این بخشنامه  
 آمده بود :  
 ( ۱ ) مراجعه شود به سلسله مقالات " گزارش تحقیقی کیهان  
 ارادهای پوچ امریکا و دعوی بحق ایران در رابطه  
 با اجرائی بیایه الحزب " ، کیهان ، ۲۴ / ۱۰ / ۶۰ .  
 ( ۲ ) مراجعه شود به بیانات بهراد سوی در همان سلسله  
 سلسله مقالات ، کیهان ، ۲۳ / ۱۰ / ۶۰ .  
 ( ۳ ) گرچه آماری چه دقیق و چه تقریبی از مجموع کل مبلغ  
 ادعاهای امریکا در پرونده های ارائه شده به لاهه در دست  
 سجت ولی بنظر می رسد که میزان آن چند برابر همین مبلغ  
 ۴ میلیارد باشد ؛  
 " آبادی امریکالیسم بیشتر از ۱۰۰۰ دادخواست مالی  
 کمتر از ۲۵۰ هزار دلار علیه ملت محروم ایران ارائه  
 کرده اند و ۸۰۰ دادخواست مالی بیشتر از ۲۵۰ هزار  
 دلار سربزه دیوان بین المللی لاهه فرستادند " همان  
 سلسله مقالات کیهان ، مه ۱۹۶۰ : ۲۰ : ۶۰  
 باید توجه داشت که در عبارت " سبب " تکرار  
 سفید در صفحه ی

# بیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

۲۵۰ هزار دلار . پرونده های

دلاری کم نیست سلسله مقالات کیهان ( قسمت سوم ۵/۱۰/۶۰ )  
چند نمونه آنها ذکر میکند از جمله یک پرونده ۷۰۰ السی  
۷۵۰ میلیون دلاری ، یک پرونده ۱۸۰ میلیون دلاری و غیره .  
( ۴ ) از عمده ترین ایرادات به این شش عضو و حتی سه  
عضو بیطرف دادگاه اینست که به حقوق اسلامی آشنا نیستند  
ندارند و در چارچوب قوانین کشورهای غربی کار میکنند .  
بنابراین نمیتوان گفت که سه نفر اعضا فیرومیرگانی این  
دادگاه صد درصد بیطرف هستند ( مراجعه شود به همان  
سلسله مقالات تحقیقی کیهان ، قسمت سوم ۵/۱۰/۶۰ )  
( ۵ ) این عبارت کمی مبهم نگارش یافته است .

منظور دقیق آن اینست : در مرحلهی قبل از داوری یعنی  
در مرحلهی حل و فصل ادعاها ، اگر با دولت آمریکا و کیهانی-  
های این کشور سازش صورت نگیرد و بخش عمده یا اصل  
ادعاها را آنها پذیرفته نشود ، در مرحله داوری ، سنگینست  
وضع و عیم تر شود یعنی داوری علاوه بر اصل ادعاها رژیم  
اسلامی را محکوم به پرداخت بهره و بهره دیر کرد و عدم الفتح  
کند .

( ۶ ) در همین رابطه است که نویسنده سند در صفحه ۵  
بنحوی روشن برای مقامات رژیم اسلامی و مبهم برای دیگران و  
توصیه میکند :

" . ذکر این نکته ضروری است که حل و فصل ادعاها در  
خارج از داوری در چارچوب مهلت فوق ( مهلت نهائی  
برای ارجاع دعاوی به هیئت داوری ) نبوده و هر موقع  
تا زمان رسیدگی هیئت داوری و حتی ضمن رسیدگی  
هیئت داوری و قبل از صدور رای نیز امکان پذیر میباشد ،  
چه در چنین صورتی خواهان ( آمریکایی ) میتواند  
ادعای خود را از دیوان داوری مسترد نماید و دعوی  
حل و فصل شده تلقی گردد " .

( ۷ ) گویا در رابطه با این پیشنهاد بود که " مجلسی  
( شورای اسلامی ) لایحه دوفوریتی دولت را در مسود  
استخدام افراد برای دفاع از منافع ایران ( اسلامی ) در  
چارچوب بیانیه الجزایر تصویب کرد " به موجب این لایحه ،  
دولت ( اسلامی ) نمی تواند برای اجرای بیانیه الجزایر و  
اقامه و تصقیب دعاوی علیه خارجیان به منظور استیفای حقوق  
ملت ( مسلمان ) ایران بدون رعایت مقررات اداری ، استخدامی  
و محاسبات عمومی و بودجهای از خدمات اشخاص حقیقی و

حقوقی ایرانی و خارجی استفاده نماید " ( همان گزارش  
تحقیقی کیهان ، قسمت اول ، ۲/۱۰/۶۰ ) .

و در رابطه با این پیشنهاد بود که گویا " در ایران  
تعداد وکلای و کارشناسان قضائی که وقت آزاد داشته باشند ،  
خیلی کم است ( ۱ ) " . بنابراین تا ناچاریم در سراسر  
دنیا نیروهای را برداریم از دادخواستهای ( رژیم اسلامی )  
ایران و جوابگویی به دادخواستهای آمریکا بسنج کنیم .  
شاید ۱۰۰ حقوق دان از ملیتهای مختلف به استخدام  
دولت ( اسلامی ) ایران در بیایند . این اشخاص میتوانند  
ملیت های مختلف داشته باشند . ( همان گزارش تحقیقی "  
کیهان " ، ۵/۱۰/۶۰ )